

تبیین شکل‌گیری نزاع و درگیری دسته‌جمعی در استان اردبیل

تاریخ دریافت: 1398/02/05

تاریخ پذیرش: 1398/04/11

محمد جوانمرد¹، طاها عشایری²، حمید هاشمی³

از صفحه 47 تا 68

چکیده

زمینه و هدف: نزاع در جوامع در حال توسعه و گذر از سنتی به مدرن به دلیل جابجایی ارزش‌های اجتماعی و کاهش تقید به هنجارهای موجود مشاهده می‌شود. استان اردبیل، در طی سال‌های گذشته، نزاع زیادی را تجربه کرده است. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش، تبیین شکل‌گیری نزاع و درگیری دسته‌جمعی در استان اردبیل است.

روش: پژوهش حاضر از نظر روش اجرا، از نوع فراتحلیل است. فراتحلیل روشی کمی در مطالعات پیمایشی برای دستیابی به یک اندازه اثر معین از طریق آزمون کوهن است. جامعه آماری پژوهش شامل 19 مطالعه پژوهشی معتبر (مقالات، رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها) است که 13 نمونه بعد از ارزیابی اعتبار و روایی انتخاب شدند. بازه زمانی آن بین سال‌های 1392 الی 1396 بوده است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که سطح گرایش به نزاع و درگیری در سطح بالا (34 درصد)، متوسط (37 درصد) و پایین (29 درصد) است. نزاع دسته‌جمعی به‌عنوان متغیر وابسته اصلی، تأثیرپذیر از سرمایه اجتماعی (اندازه اثر = 0/213)، کنترل اجتماعی (اندازه اثر = 0/194)، نارضایتی اجتماعی (اندازه اثر = 0/189)، تعلق ایلی (اندازه اثر = 0/169) و اختلافات اجتماعی (اندازه اثر = 0/274) است.

نتیجه‌گیری: پدیده نزاع و درگیری در جوامع سنتی از جمله استان اردبیل، از آن دسته آسیب‌هایی است که متأثر از سایر عوامل اجتماعی از جمله سرمایه اجتماعی، کنترل اجتماعی و اختلافات اجتماعی است که لازم است در استان اردبیل، این عوامل مورد توجه دستگاه‌های اجرایی و متولی امر قرار گیرد تا بتواند با اقدامات مناسب از جمله تقویت سرمایه اجتماعی و کنترل تعلقات سنتی و نارضایتی و اختلافات اجتماعی، از تداوم و تشدید پدیده نزاع و درگیری دسته‌جمعی پیشگیری کنند.

واژه‌های کلیدی: نزاع دسته‌جمعی، اختلافات اجتماعی، تعلق ایلی، سرمایه اجتماعی، استان اردبیل.

1 - عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)، رایانامه: Yang.man80@gmail.com

2 - دکترا بررسی مسائل اجتماعی ایران دانشگاه کاشان، رایانامه: t.ashayeri@gmail.com

3 - استادیار حقوق دانشگاه علوم انتظامی امین، رایانامه: hamyaneh60@yahoo.com

نزاع دسته‌جمعی یکی از شاخص‌های مهم وجود خشونت در جامعه تلقی می‌شود که علت آن عمدتاً اختلافات قومی و قبیله‌ای یا عقیدتی و اخلاقی بین جمعی از افراد است که در آن علاوه بر ضرب و جرح، آسیب‌رسانی و تخریب، ممکن است یک یا چند نفر نیز به قتل برسند (صدیق سروستانی، 1389: 111). نزاع‌های جمعی معمولاً در مناطقی اتفاق می‌افتد که دارای ساختار اجتماعی سنتی و قومی-قبیله‌ای و فاقد نهادهای رسمی و دولتی به شکل جدید و امروزی هستند یا به لحاظ عینی و ذهنی، رابطه محدودتری با آن دارند (پورافکاری، 1385: 54). بنابراین، نزاع نوعی برخورد جمعی ستیزه‌جویانه و پرخاشگرانه است که به علل گوناگون به وجود می‌آید و حتی موجب جرح و قتل می‌شود.

نزاع¹ واژه عربی به کسر نون به معنی ستیزه کردن، جنگ و ستیزه (عمید، 1390: 1003) و جنایت است (سیدی، 1376: 51). نزاع دسته‌جمعی نیز به زدو خورد بیش از دو نفر اطلاق می‌شود. به اعتقاد برخی، نزاع بین گروهی بخش‌گریزناپذیری از زندگی اجتماعی انسان است (اشتراوس²، 1385). ستیزه‌گری به معنای تمایل به درگیر شدن در زبان و عمل مخالفت با دیگری است (مارشال³، 1392: 743). به زعم اینگلههارت و ولزل، قبیله‌گرایی، تبارگماری و خانواده‌گرایی، اشکال آشکار تبعیض نسبت به اطرافیان است (اینگلههارت و ولزل⁴، 1392: 202) که خصیصه ذاتی جوامع سنتی ایل تباران است و همراه خود نزاع و پرخاشگری را در فضای جامعه بازتولید می‌کند. نزاع دسته‌جمعی تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جوامع بوده است و به تناسب این شرایط، ارزش‌ها و نگرش‌های حاکم بر افراد و جوامع، منجر به خسارت‌های مادی و معنوی غیرقابل‌اجتنابی شده است. نزاع دسته‌جمعی به حالت و شرایطی گفته می‌شود که طی دوره‌ها و زمان‌های مختلف به صورت بالقوه در بین مردم خود را حفظ نموده و در صورت برخورد و تقاطع عمودی در روابط به حالت عینی تبدیل می‌شود. این‌گونه درگیری بر سر مسائل مثل مراتع، آب، سرقت احشام، نگاه ناموسی، مزاحمت ملکی و

1- Quarrel

2- Strauss

3- Marshall

4- Inglehart & Welzel

چراگاه، مزاحمت جنسی، توهین و رقابت برای دستیابی به منابع ارزشمند و اختلافات تاریخی و اجدادی بین گروه‌ها اتفاق می‌افتد.

نزاع دسته‌جمعی با میانگین بالایی در استان‌هایی که ساختار ایلی و طایفه‌ای خود را حفظ کرده‌اند، بسیار رایج است (میرفردی و صادق‌نیا، 1391: 42) که استان اردبیل با ساختار طایفه و زندگی مبتنی بر ایلیاتی، با مسئله خشونت و نزاع گروهی مواجهه است. عمده‌ترین پرونده‌های قضایی استان، مسائل ملکی (اختلاف مالی، زراعی، حدود و ثغور، کمبود مراتع و چراگاه ایلی) و سرمایه اجتماعی (بی‌اعتمادی و سوء ظن) است. در گذشته که مناطق استان اردبیل زیر خوانین منطقه اداره می‌شدند (عشایری، 1396)، بر سر توسعه قلمرو و افزایش قدرت اجتماعی خود، با یکدیگر درگیر بودند، چه بسا طوایف در این زمینه بسیار کارساز بودند، خوانین با اتکا بر قدرت طایفه‌ای، به اهداف خود می‌رسیدند. به این خاطر، بین طوایف روستا به روستا و ایل به ایل، اختلاف و کشمکش ذاتی چه بر سر انتخاب خوانین و چه در پشتیبانی از هم و دستیابی به مراتع و منابع موردنیاز وجود داشته است و این پیشینه، باعث شده است که همچنان طوایف، اختلافات تاریخی خود را زنده نگهداشته و بازگویی آن، زمینه‌ساز تنش اجتماعی و انسجام درون طایفه‌ای شده است؛ هنوز در اکثر ایلات و عشایر استان اردبیل، قتل‌هایی که بر سر نزاع رخ داده، بعد از 30-40 سال، کینه و کدورت شخصی و ایلی را در حافظه‌ها و خاطرات مردم به صورت داستان زنده نگه داشته است.

استان اردبیل جزء یکی از مناطق در حال توسعه از نظام سنتی به نظام نوین با تغییرات فرهنگی و اجتماعی سریع است؛ جامعه‌ای که ارزش‌های سنتی‌اش سست شده، اما ارزش‌های مدرن نیز نتوانسته‌اند جایگزین آن شوند. در چنین وضعیتی، نزاع و درگیری بر اثر گسست فرهنگی و هنجاری به شدت افزایش می‌یابد. ارزش‌های سنتی تا حدودی کارکرد خود را در معنا بخشی به زندگی افراد از دست داده و ارزش‌های مدرن نیز آن‌چنان نهادینه نشده‌اند که پاسخ‌گوی این کارکرد معنا بخشی باشند. در چنین وضعیتی، جامعه شکل آنومی (بی‌هنجاری) به خود می‌گیرد. نزاع و ستیز جمعی معمولاً ناسازگاری گروه‌ها در سنخ جوامع در حال گذار از نوع استان اردبیل است.

بررسی مطالعات صورت گرفته در ارتباط با موضوع نزاع و درگیری در استان اردبیل نشان دادند که علیرغم انجام قابل توجه پژوهش‌های کاربردی مرتبط، متأسفانه پدیده

نزاع و درگیری دسته‌جمعی در این استان همچنان به قوت قبلی وجود داشته و تحقیق حاضر در نظر دارد با ساماندهی به نتایج پژوهش‌های قبلی با روش فراتحلیل و تسهیل در استفاده از آن نتایج، در جهت کنترل و کاهش نزاع در این استان گام بردارد. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش، تبیین شکل‌گیری نزاع و درگیری دسته‌جمعی در استان اردبیل است و در پی پاسخ به این سؤال است که نزاع و درگیری دسته‌جمعی در استان متأثر از چه عواملی است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نزاع گروهی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی خشونت‌بار سرگذشت تاریخی طولانی دارد. به‌زعم ویل دورانت، از 3421 سالی که بشر تا به حال تاریخ مدون کرده است، 268 سال بدون جنگ گذشته است و تمدن و دموکراسی نیز نتوانست آن را کاهش دهد. در بررسی علت نزاع قومی، چالمرز جانسون به وفاق ارزشی، هانتینگتون به نظریه سیاسی رشد نامتوازن، اسملسر به کنش اجتماعی و آرنت و کورن هاووزر به جامعه توده‌وار اشاره کردند. در واقع، تعارض به خودی خود در جامعه زیستی پدید نمی‌آید، بلکه عنصری جامعه‌شناختی است که تقریباً هیچ‌گاه در آن غایب نیست. روابط فرمان‌روایی و فرمان‌برداری نقشی چشمگیر در زندگی اجتماعی ایفا می‌کنند (زیمل¹، 1394: 200).

مفهوم نزاع دسته‌جمعی، معمولاً به وضعیتی اشاره دارد که در آن، گروه انسانی معینی خواه قبیله‌ای، قومی، زبانی، مذهبی، اقتصادی- اجتماعی و سیاسی با گروه‌های انسانی معین دیگری به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهداف‌شان، تعارضی آگاهانه داشته باشند. تعارض مستلزم به رسمیت شناختن هستی دشمن و منافعش است زیرا بدون منافع مشترک، اصولاً تعارض وجود نمی‌داشت؛ چراکه موقعیتی نداشت. به‌زعم زیمل درجایی که خشونت آشکار جایش را به رابطه دیگری می‌دهد که ظاهراً سرجمع دشمنی میان طرف‌های دیگر به همان اندازه شدیدتر است، درگیر شدن عضوی از اجتماع در خصومت تقریباً اجتناب‌ناپذیر است (واندنبرگ²، 1386: 77). تنازع نوعی از تعامل اجتماعی مبتنی بر روابط متقابل را گویند (ساروخانی، 1392: 855).

1- Simmel

2- Vandenberg

ناکامی اجتماعی: پروفیسور لئونارد برکووتیز، ناکامی را به منزله مسدود شدن راه‌های دستیابی به اهداف تعریف کرده است. تعریف دیگری از ناکامی، این فرایند را تهدید سازگاری به واسطه متغیر اجتماعی می‌داند. بدون تردید پرخاشگری و نزاع یکی از مهم‌ترین عوارض ناکامی است. نیرومندی پرخاشگری بستگی به عواملی نظیر نیرومندی انگیزه ناکام شده، موقعیت ظاهر شدن ناکامی و میزان اختلال در رفتار، به دفعات تکرار عوامل ناکام کننده و انواع عوامل ناکام کننده دارد. در مقابل ناکامی‌ها، تحمل افراد و گروه‌ها متفاوت است. مفهوم آستانه تحمل ناکامی اصطلاحی است که حکایت از توانایی و مقاومت مختلف فرد و گروه‌های اجتماعی در برابر ناکامی داشته، بدون اینکه منجر به بروز رفتار غیر عادی گردد (عظیمی، 1387: 154).

نیازهای اساسی: یکی از انواع ناکامی‌ها که موجب پرخاشگری انسان‌ها می‌گردد، عدم ارضای نیازهای اساسی روانی است. اریک فروم در کتاب آناتومی ویران‌سازی انسان، به نام زندگی و گریز از آزادی با مطالعه علل ستیزهای موجود در میان انسان‌ها و با باور به فطرت خوب انسان‌ها، مهم‌ترین عامل بروز ناپهنجاری‌های اجتماعی از جمله جنگ و ستیز را متأثر از زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی می‌داند. (فروم¹، 1385: 76). اریک فروم عدم ارضای نیازهای اساسی روانی را عامل بروز سرخوردگی روانی دانسته و در چارچوب نظریه ناکامی - پرخاشگری این سرکوفتگی روانی را موجب اشکالی از پرخاشگری و ویران‌سازی نسبت به خود و جامعه تحت عنوان خودآزاری و دیگرآزاری می‌داند. از نظر فروم در شکل دیگرآزاری، تمایلات سادیستی از طریق تسلط، تحکم و خشونت جسمانی و روانی نمود عینی می‌یابد (فروم²، 1380: 75). آلفرد آدلر، مأنس اشپربر و کارن هورنای از جمله دیگر روانشناسانی هستند که در چارچوب نظریه ناکامی - پرخاشگری، نیازهای روانی انسان‌ها برای جبران کاستی‌ها و ضعف‌های خویش را عامل دیگر آزاری، قدرت‌طلبی و پرخاش‌جویی دانسته و با واژه‌هایی چون برتری‌جویی و ترس تهاجمی مورد تبیین قرار داده‌اند (مقصودی، 1392: 202).

ابراهام مزلو روانشناس معروف در تجزیه و تحلیل مفهوم ناکامی، با دسته‌بندی نیاز انسان‌ها به نیاز اساسی و غیر اساسی دو مفهوم محرومیت و تهدید نسبت به شخصیت را

1 -Fromm

2 -Fromm

در این ارتباط مطرح می‌نماید. با زعم وی، عدم ارضای نیازهای غیر اساسی بیماری‌زا و تهدیدکننده نیست، حال آنکه عدم ارضای نیازهای اساسی نظیر نیازهای فیزیولوژیک، ایمنی، عشق و تعلق، احترام به خود و شکوفایی، تهدیدکننده شخصیت انسان‌ها و خطرناک و بحران‌زاست از نظر مزلو رفع و رجوع نیازها، دارای سلسله‌مراتب هست. ارضای برخی از نیازها در این سلسله‌مراتب موجب خاتمه یافتن علایق و آرزوها نمی‌گردد، گویی امید انسان به شادی ابدی و رفع کامل نیازها، هرگز تحقق‌پذیر نیست چرا که از پس ارضای نیازهای اولیه، نیازهای جدیدتر و بزرگ‌تر و نیز نارضایتی‌های بزرگ‌تر و عمیق‌تری جایگزین آن خواهد شد که در چارچوب نظریه‌پردازی مزلو به نظریه گلایه شهرت یافته است (مقصودی، 1392: 202).

محرومیت نسبی: الیوت ارونسون محرومیت را از جمله ناکامی‌هایی می‌داند که می‌تواند موجب بروز خشونت گردد. وی با بررسی زندگی فلاکت بار سیاه‌پوستان، محرومیت صرف را عامل بروز نارآرامی‌ها و انقلابات نداسته بلکه محرومیت نسبی را در این حرکات مهم‌تر می‌داند. تد رابرت گر در پژوهشی با عنوان عوامل روانشناختی در خشونت مدنی با بهره‌گیری از نظریه ناکامی - پرخاشگری به رابطه میان محرومیت نسبی و خشونت مدنی پرداخته معتقد است: «پیش شرط لازم برای درگیری خشونت‌آمیز مدنی، محرومیت نسبی است. وجود فاصله میان انتظارات ارزشی یا کالاها، امکانات و خدماتی که مردم در زندگی به‌صورت توجیه‌پذیری خود را مستحق آن می‌دانند و قابلیت‌های موجود در محیط اجتماعی و فیزیکی، در پاسخ‌گویی به این انتظارات، تصور محرومیت نسبی را به لحاظ اقتصادی، سیاسی و روانشناختی در گروه‌های اجتماعی شکل می‌بخشد» (رابرت گر¹، 1390).

تصویر کلی ترسیم شده از نتایج و پیامدهای محرومیت نسبی توسط گر این‌گونه است که خشونت مدنی به‌عنوان نوعی پرخاشگری، نتیجه احساس ناکامی است و محرومیت نسبی یکی از مهم‌ترین منابع ایجاد ناکامی است. محرومیت نسبی اعم از فردی و جمعی نتیجه احساس وجود شکاف غیرقابل تحمل بین توقعات ارزشی و قابلیت ارزشی است. بسته به شدت پایبندی به ارزش‌های مورد توقع، مشروع دانستن محرومیت، فرصت‌های بدیل ممنوع شده و دفعات محرومیت، احساس محرومیت نسبی به نارضایتی

1 - Robert Gurr

و خشم منجر می‌گردد. اگر زمینه تسهیل‌کننده مانند توجیه هنجاری و فایده‌ای خشونت و پشتیبانی گروهی قوی‌تر از زمینه‌های اجتماعی کنترل‌کننده مانند کیفر و جابجایی نهادی عمل کنند. احتمالاً خشم به خشونت مدنی می‌انجامد و هرچه میزان نارضایتی بین خواص و عوام؛ کم یا زیاد باشد، نوع خشونت اعم از آشوب، توطئه و جنگ داخلی فرق می‌کند (حسینی، 1375: 170). در بررسی‌های جان دولارد و همکارانش در مورد درگیری‌های نژادی میان سفیدپوستان و سیاهپوستان در آمریکا نیز مؤید این امر است که ناکامی‌های اقتصادی مانند بروز خشکسالی و تنگدستی، کاهش میزان مزد واقعی و عدم توفیق در کشت پنبه و... در بروز پرخاشگری از جمله خشونت و نزاع قومی و نژادی نقش مؤثری ایفا می‌کنند؛ به عبارت دیگر شکاف میان انتظارات روانی از درآمدهای اقتصادی و واقعیات اقتصادی می‌تواند در پرخاشگری‌های احتمالی ذی سهم باشد (کلاین برگ¹، 1376: 21).

کاهش قدرت سیاسی: کاهش قدرت سیاسی یکی از زمینه‌های بروز خشونت است که در چارچوب نظریه ناکامی - پرخاشگری قابل تبیین است. خانم هانا آرنت در کتاب خشونت می‌گوید: هرگونه کاستی در اقتدار به معنای دعوت به خشونت‌گری است. کمترین دلیلش هم اینکه کسانی که قدرت را به دست می‌گیرند خواه فرمانروایان و خواه فرمانبرداران، هنگامی که احساس کنند سررشته امور از دستشان بیرون می‌رود همواره دچار این وسوسه می‌شوند که خشونت را جانشین قدرت کنند و خلاصی از این وسوسه همیشه برایشان دشوار بوده است (آرنت²، 1380: 129).

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی در صورت نیاز، حمایت‌های سودمندی فراهم می‌کند؛ یعنی سرمایه شرافت و حرمت که غالباً اگر فرد بخواهد در موقعیت‌های مهم اجتماعی مراجعین را جذب کند، کاملاً ضروری بوده و ممکن است به صورت نوعی پول رایج ارائه شود. بورديو سوءاستفاده از سرمایه اجتماعی را مخصوصاً در بین کسانی که قادر به نمایندگی سرمایه اجتماعی نهادینه شده هستند، امکان‌پذیر می‌داند. دو نمونه از نماینده‌های سرمایه اجتماعی عبارت‌اند از بزرگان فامیل که به نمایندگی از کل خانواده‌ها صحبت می‌کند. در محیط سنتی، خویشاوندی به‌عنوان منبعی برای کسب

1 - Klineberg

2 - Arendt

همبستگی، اهمیت کمتری از آشنایی و عضویت مشترک اجتماعات ثانویه‌ای که می‌تواند افراد متعلق به گروه‌های کوچک کاملاً متفاوت و مجزا را گرد هم می‌آورد، دارد و معتقد است که پیوندهای عمودی کمتر از پیوندهای افقی سودمند است، زیرا ممکن است ظرفیت کنش جمعی را تحلیل برده و باعث ایجاد بدگمانی شود (فیلد¹، 1386: 57).

از دیدگاه فوکویاما راه دیگر سنجش سرمایه اجتماعی در جامعه، پرداختن به مفهوم شعاع اعتماد است. همه گروه‌هایی که مظهر سرمایه اجتماعی‌اند دارای نوعی شعاع اعتمادند و دیگر معنا حلقه‌ای از کسان در هر گروه موجود است که هنجار همکاری را در میان آن‌ها را ممکن می‌سازد. اگر سرمایه اجتماعی گروه، آثار خارجی مثبت تولید کند، شعاع اعتماد می‌تواند حتی از خود گروه فراتر رود. همچنین ممکن است شعاع اعتماد کوچک‌تر از آن باشد که همه اعضای گروه را شامل شود کما این که در برخی گروه‌های بزرگ هنجار همکاری تنها در بین رهبری یا اعضای دائمی تقویت می‌شود. در بحث شبکه اعتماد، تمام اشکال گروه‌های فرهنگی - اجتماعی نظیر قبایل و عشایر و مجامع روستایی و فرقه‌های دینی بر هنجار مشترکی مبتنی‌اند و از این هنجارها برای تحقق اهداف مشترک استفاده می‌کنند. در ادبیات توسعه بنا بر قاعده کلی این شکل از سرمایه یک امتیاز تلقی نمی‌شود بلکه بیشتر مزاحم یا مانع توسعه تلقی می‌شود. دلیلش این است که در چنین گروه‌هایی شعاع اعتماد ناچیز است. همبستگی درون‌گروهی از قابلیت‌های اعضای گروه برای همکاری با افراد بیرون از گروه می‌کاهد و اغلب آثار منفی را بر افراد بیرونی تحمیل می‌کند؛ یعنی سرمایه اجتماعی عمدتاً در مدار خانواده و حلقه نسبتاً تنگی از دوستان جمع می‌شود. برای مردم مشکل است به کسانی اعتماد کنند که بیرون از این حلقه‌های تنگ جای دارند. غریبه‌ها یا غیرخودی‌ها در مقوله سوای خویشان جای می‌گیرند. گروه‌های اجتماعی سنتی به فقدان چیزی دچارند که گرانوتر آن را پیوندهای سست یعنی وجود افرادی کژایین در حاشیه شبکه‌های گوناگون جامعه می‌نامد که قادرند بین گروه‌ها حرکت کنند. از گروهی به گروهی دیگر بروند و از این راه به‌صورت حاملان افکار و اطلاعات تازه درآیند. جوامع سنتی غالباً حالت قطعه‌قطعه دارند و به دیگر معنا مرکب از تعداد زیادی از واحدهای اجتماعی یکسان و خودکفا از قبیل روستا و قبایل‌اند و جوامع مدرن برعکس از تعداد زیادی گروه‌های اجتماعی که باهم

1 - Field

همپوشانی دارند تشکیل شده است. به همین سبب عضویت در جوامع سنتی در چند گروه و هویت متکثر است (پاتنام¹، 1392: 174-175).

کمیابی منابع: به‌زعم ویلن، ولع دستیابی به مواد خام و ارزشمند بسیاری از جوامع را به جنگ می‌کشاند (دیلینی، 1390: 305). کمیابی منابع عامل غارت و نزاع بین گروه و بین ایلی بوده است. مثلاً در قبایل عربستان اگر تعداد شتر ناکافی بود، حیثیت رئیس قبیله به خطر می‌افتد، چرا که ممکن بود در اعطای هدایا، میهمان‌نوازی و تأمین امنیت برای گروه ناتوان شود، غارت و چپاول راه‌حلی برای زندگی ناامن و پرخطر بود که باعث شد از یک طرف تخصیفات بین گروهی افزایش و از طرفی دیگر اتحاد و انسجام درون‌گروهی افزایش یابد؛ بنابراین یک ایل در قبال همسایگانش در جوامع سنتی کوچ‌نشینی در چندین وضعیت متفاوت جلوه‌گر می‌شود: الف- در حالت صلح و همزیستی؛ ب- در وضع شدید خصمانه با حملات بزرگ در سطح کل قبیله علیه ایل دیگر و ج- در وضع بینابینی که با حملات کوچک تحت شرایط همراه بوده است (بهروان، 1390: 57).

تضاد و ستیز بین گروهی و درون‌گروهی اغلب نتیجه فقدان یکپارچگی است و برعکس ستیزها به سهم خود نبود یکپارچگی را موجب می‌شوند. تضاد بین گروه‌ها ناشی از دستیابی به منابع کمیاب است. آنچه در جوامع سنتی عامل تعارض و نزاع است چشم هم‌چشمی بین طبقات است که صفات صلح‌جویان را در بین گروه‌های اجتماعی از بین برده است خوی متداول روش زندگی یغماگری زمینه بقاء و تکامل زندگی فردی را در محدوده نظام چشم هم‌چشمی فراهم می‌کند. همچنین اگر زندگی گروهی شامل مناسبات رقابت خصمانه با گروه‌های دیگر باشد، خوی یغماگری زمینه بقاء و موفقیت گروه را فراهم می‌کند (ویلن²، 1392: 241).

پژوهش‌های صورت گرفته درباره نزاع و درگیری در استان اردبیل در جدول شماره 1 ارائه شده است.

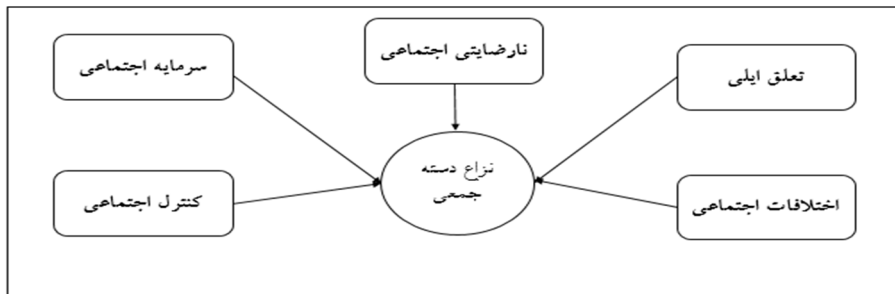
1 - Putnam
2 - Veblen

جدول 1- پژوهش‌های نزاع دسته‌جمعی در استان اردبیل

ردیف	عنوان	مشخصات پژوهش
1	بررسی عوامل مؤثر بر نزاع خیابانی در استان اردبیل	شیمای نوری (1392)
2	عوامل مؤثر بر وقوع نزاع دسته‌جمعی بین طوایف علیا و سفلا	عشایری و همکاران (1393)
3	بررسی رابطه بین تیپ‌های شخصیتی با راهبرد مقابله‌ای در مجرمان نزاع دسته‌جمعی در شهرستان اردبیل	جوانشیر و موسی زاده (1393)
4	نزاع دسته‌جمعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن در شهرستان مشکین شهر	عشایری (1394)
5	مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی روستایی	عشایری و ایمانی (1392)
6	بررسی عوامل مؤثر بر جرم نزاع دسته‌جمعی در شهر اردبیل	مشفق و جهانی (1394)
7	جامعه‌شناسی نزاع دسته‌جمعی در استان اردبیل	عشایری (1396)
8	طالعۀ جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع (درگیری‌های دسته‌جمعی روستایی و پیامدهای آن؛ روستای پریخان شهرستان مشکین شهر	عشایری (1391)
9	شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مرتبط با نزاع و درگیری	اصغر پوراسمعی (1395)
10	بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر رفتار پرخاشگرانه در افراد مرتکب نزاع و درگیری	طهماسبی‌وند و شیخ‌الاسلامی (1396)
11	رابطه سبک‌های فرزندپروری با رفتار پرخاشگرانه در مرتکبین نزاع و درگیری شهر اردبیل	طهماسبی‌وند و شیخ‌الاسلامی (1396)
12	شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر بروز نزاع و درگیری در مناطق حاشیه‌نشین شهر اردبیل	حبیب‌زاده و همکاران (1396)
13	شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر نزاع دسته‌جمعی در بین مرزنشینان استان اردبیل و اثر آن بر نظم و امنیت	حیدر نژاد و اسدپور (1396)

نزاع و درگیری در استان اردبیل، در شهرها و مکان‌های جغرافیایی متفاوتی با روش و رویکردی متمایز از هم صورت گرفته است. این پژوهش ضمن استفاده از دیدگاه‌های نظری مرتبط با استان اردبیل، سعی کرده است در قالب یک فراتحلیل تنظیم، جمع‌بندی و انسجام‌بخشی شود. از مهم‌ترین تفاوت پژوهش حاضر با مطالعات قبلی، ساماندهی به نتایج پژوهش و تسهیل در استفاده از آن در جهت کاهش نزاع در ارتباط با دستگاه‌های اجرایی است که متولی این امر هستند.

با مطالعه ادبیات تحقیق از جمله مبانی نظری مطرح شده در بخش‌های قبلی و همچنین بررسی پیشینه پژوهش، مدل مفهومی به شکل نمودار 1 قابل ترسیم است.



نمودار شماره 1- مدل مفهومی نزاع دسته‌جمعی در استان اردبیل

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع فراتحلیل¹ است. فراتحلیل در پی سنجش میزان اندازه اثر متغیرهای مستقل مشابه بر متغیر وابسته مشابه در پژوهش‌های صورت گرفته است. این روش با استفاده از نرم‌افزار CMA2، مطالعات پیمایشی متفاوت از حیث نظام جغرافیایی، مکانی و زمانی و متغیرهای مستقل را از طریق روش کوهن ترکیب نموده و یک معیار عددی (مقدار اثر پژوهش)، دست می‌یابد. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه پژوهش‌های انجام شده در ایران در سال‌های 1392 تا 1396 با موضوع نزاع و درگیری در استان اردبیل است که در پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی²، پایگاه مجلات تخصصی نورمگز³ و بانک اطلاعات نشریات کشور⁴ ثبت شده است. از میان بیش از 19 مطالعات پژوهشی (مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی) شناسایی شده در باب نزاع و درگیری در استان اردبیل، در نهایت، 13 مطالعه پژوهشی علمی متناسب با ملاک‌های فراتحلیل (ضریب همبستگی، حجم نمونه، سطح معنی‌داری، کیفیت پژوهش، اعتبار و روایی پژوهش، پیمایش) انتخاب شدند. بعد از دسته‌بندی اولیه مطالعات، سنخ

1- Meta-Analysis Method

2- SID

3 -Noormags

4 -Magiran

شناسی و توصیف آن، متغیرهای پژوهش که بیش از 2 بار در مطالعات تکرار شده‌اند، برای تعیین اندازه اثر و ضریب همبستگی آن وارد نرم‌افزار CMA2 شدند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی: در این قسمت خلاصه‌ای از پژوهش صورت گرفته در حوزه نزاع و درگیری در استان اردبیل ارائه شده است.

جدول 2- خلاصه ویژگی پژوهش

کد	روش بررسی	فن پژوهش	شیوه نمونه‌گیری	جامعه آماری	حجم نمونه
1	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	-	-
2	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	800	300
3	مردم‌نگاری	پرسشنامه+مصاحبه+تحلیل پرونده و سایر اسناد رسمی	تعمدی+ تصادفی	200	100
4	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	تصادفی ساده	3000	285
5	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	طبقه‌ای و تصادفی ساده	1200	291
6	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	تعمدی+فن دلفی	150	150
7	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	طبقه‌ای و تصادفی ساده	70	70
8	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	خوشه‌ای تصادفی	1000	250
9	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	خوشه‌ای تصادفی	600	200
10	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	نمونه‌گیری در دسترس	-	150
11	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	نمونه‌گیری در دسترس	-	150
12	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	خوشه‌ای تصادفی	20000	317
13	پیمایش (کمی)	پرسشنامه	خوشه‌ای تصادفی	84016	262

جدول 3- میزان گرایش به نزاع و درگیری

میزان گرایش به نزاع	درصد فراوانی
بالا	34
متوسط	37
پایین	29
جمع	100

سطح گرایش به نزاع و درگیری در جدول شماره 3 حاکی از این است که در 34 درصد در سطح بالا، 37 درصد متوسط و 29 درصد پایین است.

یافته‌های استنباطی: در جدول 4، نتایج ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته گزارش شده است.

جدول 4- ضریب همبستگی پژوهش نزاع دسته جمعی در استان اردبیل

اندازه اثر فراتحلیل پژوهش به تفکیک شاخص‌ها			
P-Value	Z-Value	اندازه اثر	متغیر پژوهش
0/001	3/246	0/213	اعتماد اجتماعی
0/002	2/891	0/116	مشارکت اجتماعی
0/005	2/036	0/3510	انسجام اجتماعی
0/003	7/409	0/113	کل
0/002	2/843	0/298	نظارت رسمی
0/003	2/003	0/103	نظارت غیررسمی
0/000	2/361	0/194	کل
0/004	2/136	0/145	ناکامی اجتماعی
0/005	2/348	0/100	عدالت اجتماعی
0/000	4/308	0/189	کل
0/000	2/187	0/113	تعلق طایفه‌ای
0/003	4/004	0/190	تعصب اجتماعی
0/003	3/005	0/169	کل
0/000	4/703	0/114	اختلافات مالی-ملکی
0/000	2/837	0/281	اختلافات خانوادگی
0/003	4/153	0/189	اختلاف بر سر منابع کمیاب
0/000	17	0/274	کل

نتایج پژوهش به شرح ذیل است:

- اثر کل سرمایه اجتماعی بر نزاع دسته‌جمعی (Effect size=0/213): متغیر سرمایه اجتماعی در سطح P-Value= 0/ 000 دارای تأثیر معناداری بر نزاع دسته‌جمعی بوده و 0/213 آن را تبیین کرده است. با کاهش سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت، انسجام)، میزان نزاع دسته‌جمعی نیز افزایش می‌یابد، به این معنی بین سرمایه اجتماعی و نزاع دسته‌جمعی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. سرمایه اجتماعی به‌عنوان پيله حفاظتی در برابر رفتارهای نابهنجار و هیجانی محسوب می‌شود و به‌جای خشونت به حل‌وفصل اختلافات گروهی و شخصی از طریق مذاکره، گفتگو، میانجیان و بحث و شنود می‌پردازد. در صورتی با زوال سرمایه اجتماعی بین فردی با فروپاشی سازمان اجتماعی روبرو خواهیم شد و نتیجه آن افزایش زدوخورده اجتماعی است.

- اثر کل کنترل اجتماعی بر نزاع دسته‌جمعی (Effect size=0/194): متغیر کنترل

اجتماعی در سطح $P\text{-Value}=0/000$ دارای تأثیر معناداری بر نزاع دسته‌جمعی بوده و $0/194$ آن را تبیین کرده است. با کاهش کنترل اجتماعی، میزان نزاع دسته‌جمعی در استان اردبیل افزایش می‌یابد، به این معنی بین کنترل اجتماعی و نزاع دسته‌جمعی رابطه معکوسی وجود دارد. بدین ترتیب هرچه کنترل اجتماعی ضعیف باشد، به خاطر نبود کنترل و نظارت اجتماعی میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی بیشتر خواهد بود. بازدارندگی بیرونی به ضعف نظارت‌های رسمی و غیررسمی اشاره دارد که هر چه این نظارت ناهماهنگ و رهاشده باشد، به همان میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی افزایش می‌یابد و به‌طور مشخص نقش مراجع قضایی و انتظامی در این زمینه برجسته است.

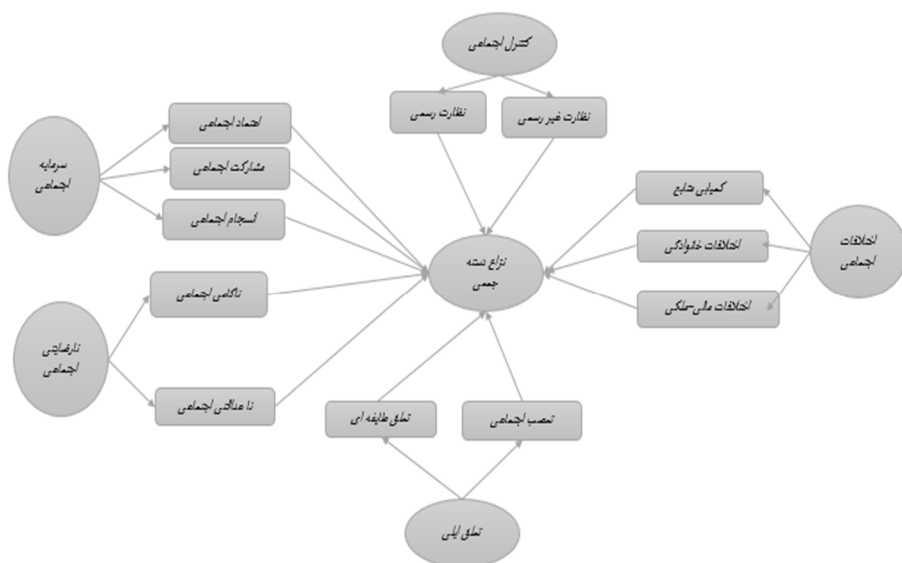
- اثر کل نارضایتی اجتماعی بر نزاع دسته‌جمعی ($\text{Effect size}=0/189$): متغیر نارضایتی اجتماعی (ناکامی اجتماعی و احساس نا عدالتی اجتماعی) در سطح $P\text{-Value}=0/000$ دارای تأثیر معناداری بر نزاع دسته‌جمعی بوده و $0/189$ آن را تبیین کرده است. نارضایتی اجتماعی در جامعه تولید فشار می‌نماید و هم باعث افزایش میزان جرم در آن‌ها می‌شود. به خاطر این که نارضایتی، عدم اعتماد را به وجود می‌آورد و چنین وضعیتی سرانجام منجر به خشونت و نزاع می‌شود. در جوامعی که در آن‌ها نارضایتی اجتماعی افزایش یابد، یک نوع حقارت و سرافکندگی در افراد ناکام ایجاد می‌شود که این عامل باعث ایجاد انگیزه‌های خشن و نزاع گر در برخی از این افراد می‌گردد.

- اثر کل تعلق ایلی بر نزاع دسته‌جمعی ($\text{Effect size}=0/169$): متغیر تعلق طایفه‌ای در سطح $P\text{-Value}=0/000$ دارای تأثیر معناداری بر نزاع دسته‌جمعی بوده و $0/169$ آن را تبیین کرده است. وجود رابطه طایفه‌گرایی با نزاع دسته‌جمعی مبین این است که همبستگی درون‌گروهی و وابستگی به ایل و طایفه خود باعث بروز شکاف و فاصله اجتماعی بین افراد جامعه گردیده است که منجر به افزایش درگیری و تضاد اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

- اثر کل اختلافات اجتماعی بر نزاع دسته‌جمعی ($\text{Effect size}=0/274$): اختلاف اجتماعی دارای اثر معنی‌داری بر نزاع دسته‌جمعی بوده است. هرچه میزان اختلاف اجتماعی افزایش یابد، به همان میزان نزاع دسته‌جمعی نیز افزایش

خواهد یافت. به این معنی که: اختلافات مالی-ملکی از جمله عدم تعیین حدود و ثغور مراتع، فقدان سند معتبر، عدم تعیین مسیر مالرو، تغییرات طبیعی ناشی از سیل، عوامل طبیعی و گذر زمان و غیره، اختلاف بین کشاورزان و زمین‌دار بیشتر می‌شود. هرچه اختلافات خانوادگی بیشتر شود، میزان نزاع دسته‌جمعی نیز بیشتر می‌شود. ریشه اکثر نزاع‌ها در اختلافات خانوادگی است. وجود اعتیاد، بیکاری و مشکلات اقتصادی، منجر به فروپاشی کانون خانواده شده و آن‌ها را رودرروی هم قرار می‌دهد. هر چه رقابت بر سر منابع بیشتر باشد میزان گرایش به نزاع بیشتر خواهد بود. عموماً رقابت بین گروه‌های اجتماعی بر سر منابع کمیاب اتفاق می‌افتد و هر چه شدت رقابت بیشتر شود، ستیز گروهی نیز بیشتر می‌شود.

براساس مبانی نظری و یافته‌های تحقیق، مدل تجربی نزاع دسته‌جمعی در استان اردبیل به شرح نمودار 2 قابل ترسیم است:



شکل شماره 2- مدل تجربی نزاع دسته‌جمعی در استان اردبیل

بحث و نتیجه‌گیری

برخی از استان‌های کشور از جمله استان اردبیل که ساختار ایلی و طایفه‌ای خود را حفظ کرده‌اند، با مسئله خشونت و نزاع گروهی مواجه هستند که پژوهش حاضر در نظر دارد با روش فراتحلیل، ضمن تبیین شکل‌گیری نزاع و درگیری دسته‌جمعی در استان اردبیل، عوامل مؤثر بر این پدیده را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

پدیده نزاع و درگیری در جامعه، از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اخلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. نزاع دسته‌جمعی مسئله اجتماعی و زاینده کژکارکرد نهادها و بی‌سازمانی اجتماعی است و به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن عده‌ای بیش از دو نفر باهم سرسازگاری نداشته و در تعارض اجتماعی باهم قرار می‌گیرند. اعتماد اجتماعی به مفهوم حضور صداقت، اطمینان و باور در پیش‌بینی‌پذیری کنش‌های اجتماعی است. این امر به‌مثابه تسهیل‌گر مناسبات اجتماعی عمل می‌کند و هرگونه خدشه و آسیب به آن، زمینه‌ساز تفاهم، تناقض و خصومت خواهد بود؛ به‌ویژه در محلاتی که متکی بر روابط صمیمی، قومی و خویشاوندی هست، اعتماد اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کند، با کاهش اعتماد اجتماعی در بین شهروندان، احتمال افزایش نزاع و درگیری نیز وجود دارد، زیرا گفتگو و مذاکره جای خود را به تنش و تخاصم می‌دهد. اعتماد اجتماعی یعنی وجود شبکه‌های اجتماعی که مردم از طریق آن با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و با همکاری یکدیگر کارهای مختلفی را به سرانجام می‌رسانند. اعتماد اجتماعی شبکه‌های درهم‌تنیده از هنجارها، ارزش‌ها و ادراک‌های مشترک موجود در یک جامعه است که همکاری و تعامل بین افراد را تسهیل می‌کند. حال اگر این شبکه دچار افت یا کاهش در بازتولید شود، می‌تواند عامل بروز رفتارهای نابهنجار و انحرافات اجتماعی گردد.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد نزاع دسته‌جمعی به‌عنوان متغیر وابسته تأثیرپذیر از متغیرهای سرمایه اجتماعی، کنترل اجتماعی، نارضایتی اجتماعی، تعلق ایلی و اختلافات اجتماعی است. سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر نزاع و درگیری دسته‌جمعی، به‌جای خشونت، به حل‌وفصل اختلافات گروهی و شخصی از طریق

مذاکره، گفتگو، میانجیان و بحث و شنود می‌پردازد و این عملکرد سرمایه اجتماعی با شاخص‌هایی از جمله اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی قابل دسترسی خواهد بود. کنترل اجتماعی نیز از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر درگیری دسته‌جمعی است. ضعف در این عملکرد و عدم توجه به بازدارنده‌های بیرونی از جمله نظارت‌های رسمی و غیررسمی و ناهماهنگی در این نظارت، گرایش به نزاع دسته‌جمعی را افزایش خواهد داد که به‌طور مشخص، نقش مراجع قضایی و انتظامی در این زمینه برجسته‌ست. از نتایج دیگر پژوهش، تأثیر نارضایتی اجتماعی بر نزاع و درگیری دسته‌جمعی در استان اردبیل بود که این نارضایتی بیشتر از ناکامی اجتماعی و احساس ناعدالتی اجتماعی نشأت می‌گرفت. نارضایتی و ناکامی اجتماعی موجبات سرافکندگی و نوعی حقارت را فراهم آورده که این عامل باعث ایجاد انگیزه‌های خشن و تنازع در برخی از این افراد می‌شود.

از خصوصیات فرهنگ قبیله‌ای، خویشاوندگرایی و روحیه ستیزه‌جویی است. در چنین شرایطی ناهمگونی‌ها در همگونی‌ها غرق می‌شوند و ناخودآگاه جمعی بر عقلانیت فرد ارجحیت می‌یابد. فردی که به طایفه خویش تعلق خاطر دارد به‌طور ناخودآگاه تعصب و خشونت طایفه‌ای به آن سرایت و تلقین می‌شود. در چنین فضایی است که دیده می‌شود فرد مهاجر که مدت‌ها در فضای مدرن در محلات مختلفی سکنی گزیده، در درگیری و دعوای طایفه‌ای، همچنان نقش‌آفرینی کرده و حمایت خود را از خویشاوندان و طایفه خود ادامه می‌دهد. استان اردبیل، شهری مهاجرپذیر است. به همین دلیل، گروه‌های اجتماعی اعم از روستایی، عشایری، مهاجران شهری و کارگران و سایر خرده‌فرهنگ‌ها در حاشیه شهر زندگی می‌کنند. تفاوت فرهنگی این قشر، زمینه بروز تعارض اجتماعی، ستیزه‌گری و نزاع را نیز دامن می‌زند. بر این اساس و با تکیه بر یافته‌های تحقیق، می‌توان دو عامل تعلق طایفه‌ای و تعصب اجتماعی را که بیشتر مبتنی بر تعلقات ایلی است، در بروز و تشدید نزاع و درگیری دسته‌جمعی در استان اردبیل معرفی کرد؛ چراکه همبستگی درون‌گروهی و وابستگی به ایل و طایفه خود باعث بروز شکاف و فاصله اجتماعی بین افراد جامعه شده و در نهایت، منجر به افزایش درگیری و تضاد اجتماعی و فرهنگی می‌شود. برابر نتایج تحقیق، یکی دیگر از عوامل مؤثر بر نزاع در استان اردبیل، وجود اختلافات اجتماعی است که ناشی از وجود برخی مؤلفه‌های

اثرگذار بر این نوع اختلافات است؛ از جمله اختلافات مالی - ملکی، اختلافات خانوادگی و اختلافات بر سر منابع کمیاب.

پیشنهادها

همراستا با نتایج تحقیق و در جهت رفع برخی از مشکلات و کاهش مأموریت‌های سازمانی (پلیس) ناشی از نزاع و درگیری‌های دسته‌جمعی در استان اردبیل، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- نصب و راه‌اندازی دوربین‌های مدار بسته در سطح شهرهای استان اردبیل در مناطق جرم‌خیز به منظور کنترل و شناسایی بیشتر افراد مستعد ایجاد درگیری و نزاع به ویژه در مکان‌های تفریحی و رفاهی و شلوغ سطح استان؛
- راه‌اندازی گشت‌های ویژه و استقرار ایستگاه‌های پلیس ثابت در مناطق جرم‌خیز در راستای برخورد جدی و قانونی با طرفین درگیر و کنترل ارادل و اوباش به ویژه در نزاع‌های دسته‌جمعی که احتمال استفاده از سلاح سرد وجود دارد؛
- آموزش همگانی در خصوص نحوه ایجاد ارتباط سازنده و کنترل پرخاشگری و رعایت حقوق دیگران و مشاوره قضایی توسط صداوسیما و رسانه‌های عمومی استان با راه‌اندازی سراهای محله، خانه‌های فرهنگ و مکان‌های گفتمان به ویژه در مساجد برای تقویت شبکه‌های دوستی و انسجام اجتماعی و کاهش اختلافات اجتماعی ساکنان؛
- فعال شدن نفوذ بزرگان و نخبگان استان در بین مردم استان در جهت سالم‌سازی جامعه و زدودن غبارهای کینه و دشمنی در بین ساکنان محلات به ویژه در محلاتی که سابقه نزاع و درگیری وجود دارد؛
- فعال‌سازی نهادهای مذهبی و افراد آگاه به مسائل دینی و مذهبی از جمله روحانیون در جهت تقویت عنصر مذهب و دین به‌عنوان شاکله‌های اصلی ساختار جوامع سنتی و قبیله‌ای در مناطق مختلف استان اردبیل با هدف افزایش صلح و تقویت همبستگی در بین ساکنان محلات شهری و روستایی؛

- توجه به توسعه اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف استان و توزیع عادلانه منابع و امکانات اجتماعی و اقتصادی در جهت کاهش محرومیت نسبی و فاصله طبقاتی در نتیجه کاهش فقر و رفع احساس بی‌عدالتی اجتماعی؛
- توجه به ساختار ایلپاتی جامعه (استان) که متشکل از طایفه‌های مختلف است از طرف مسئولان و نهادها و سازمان‌های مسئول امر در جهت تعدیل طایفه‌گرایی افراد با در نظر داشتن احترام به این طوایف؛
- ارتقای سطح سواد عمومی استان و اهتمام بیشتر به امر آموزش خانواده‌ها و کاهش میزان بی‌سوادی در جهت اصلاح فرهنگ‌های تعصب‌گونه سنتی و جایگزینی فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی؛
- مدیریت و سازماندهی مناطق حاشیه‌نشین استان اردبیل با نظارت دستگاه‌های متولی امنیت عمومی و اجتماعی که مهاجرت شدید و بی‌امان مهاجران روستایی، عشایری و شهری به آن مناطق همراه با معضلاتی از جمله افزایش نزاع و درگیری است.

تقدیر و تشکر

در خاتمه برخورد لازم می‌دانیم از مساعدت و پیگیری‌های عوامل اجرایی فصلنامه انتظام اجتماعی به ویژه مدیرمسئول و سردبیر محترم مجله که در مراحل بررسی و پذیرش این مقاله، با صبر و حوصله کمک حال محققان بودند، کمال تشکر و قدردانی را بنماییم.

- اشتراوس، لوی (1385). اسطوره و معنا. ترجمه شهرام خسروی، تهران: نشر مرکز.
 - اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (1392). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی. ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
 - آرنه، هانا (1380). خشونت. ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات خوارزمی.
 - بهروان، حسین (1392). جامعه‌شناسی روستایی. تهران: جامعه‌شناسان.
 - پاننام، رابرت (1392). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: جامعه‌شناسان. چاپ اول.
 - پور افکاری، نصرالله (1383). نزاع‌های جمعی محلی. مجموع مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران.
 - پوراسعلمی، اصغر (1395). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مرتبط با نزاع و درگیری فردی و دسته جمعی در شهر اردبیل و ارائه راهکارها. دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان اردبیل.
 - جوانشیر، ولی و موسی زاده، توکل (1393). بررسی رابطه تیپ‌های شخصیتی با راهبردهای مقابله‌ای در مجرمان نزاع دسته‌جمعی در شهر اردبیل. دانش انتظامی اردبیل، سال اول، شماره دوم. صص 113-129. بازیابی از:
- http://ardabil.jrl.police.ir/article_16898.html
- حبیب زاده، عظیم؛ جسارتی، علی؛ حسینی، سید میلاد و سیدعلیپور، سیدخلیل (1396). شناسایی و الویت‌بندی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری در مناطق حاشیه نشین شهر اردبیل. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره 52، صص 89-120. بازیابی از:
- <https://b2n.ir/923165>
- حسینی، حسین (1375). بحران‌های شهری و تئوری محرومیت نسبی. مجله سیاست دفاعی، دوره هفتم، شماره 15-16، صص 1-43. بازیابی از:
- http://dpj.ihu.ac.ir/article_203052.html
- حیدرئزاد، علیرضا و اسدپور، عبدالله (1396). شناسایی و الویت بندی عوامل مؤثر بر نزاع دسته‌جمعی در بین مرزنشینان استان اردبیل و اثر آن بر نظم و امنیت. فصلنامه علوم و فنون مرزی، دوره 6، شماره 4، صص 117-148. بازیابی از:
- <https://b2n.ir/557998>
- رابرت گر، تد (1390). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند. ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (1389). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران: انتشارات آن.
- زمیل، گئورگ (1394). درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی. ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: نشر ثالث.
- ساروخانی، باقر (1392). درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- سیدی، منصور (1376). فرهنگ اصطلاحات کیفی. تهران: نشر زر.
- طهمباسی وند، رأفت و شیخ الاسلامی، علی (1396). بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر رفتار پرخاشگرانه در افراد مرتکب نزاع و درگیری (مطالعه موردی: شهر اردبیل در سال 1395-1394). فصلنامه دانش انتظامی اردبیل، شماره 13، صص 45-70. بازیابی از: http://ardabil.jrl.police.ir/article_16964.html
- طهمباسی وند، رأفت و شیخ الاسلامی، علی (1396). رابطه بین سبک فرزندپروری با رفتار پرخاشگرانه در مرتکبین نزاع و درگیری شهر اردبیل. فصلنامه دانش انتظامی اردبیل، شماره 16، صص 58-88. بازیابی از: http://journals.police.ir/article_19729.html
- عشایری، طاها (1391). مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع (درگیری‌های دسته‌جمعی روستایی و پیامدهای آن؛ روستای پریخان شهرستان مشکین شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- عشایری، طاها (1394). نزاع دسته‌جمعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن در شهرستان مشکین‌شهر. دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان اردبیل.
- عشایری، طاها (1396). جامعه‌شناسی نزاع دسته‌جمعی در استان اردبیل. تهران: پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا.
- عشایری، طاها و ایمانی جاجرمی، حسین (1392). مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع‌های دسته‌جمعی روستایی. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره چهارم، شماره سی و چهارم، صص 39-66. بازیابی از: http://sss.jrl.police.ir/article_11863.html
- عشایری، طاها؛ حسونند، اسماعیل و پناهی (1393). عوامل مؤثر بر وقوع نزاع دسته‌جمعی بین طوایف علیا و سفلا. دانش انتظامی اردبیل، سال اول، شماره اول، صص 89-64. بازیابی از: http://ardabil.jrl.police.ir/article_16892.html
- عظیمی، سیروس (1387). مباحث اساسی در روانشناسی (رفتارشناسی). تهران: صفار. چاپ اول.

- عمید، حسن (1390). فرهنگ عمید. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- فروم، اریک (1380). به نام زندگی. ترجمه اکبر تبریزی، تهران: انتشارات مروارید.
- فروم، اریک (1385). آناتومی ویران‌سازی انسان. ترجمه احمد صبوری، تهران: پویش.
- فیلد، جان (1386). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: انتشارات کویر.
- کلاین برگ، اتو (1375). روانشناسی اجتماعی. ترجمه محمدعلی کردان، تهران: نشر اندیشه.
- مارشال، گوردون (1392). فرهنگ جامعه‌شناسی. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر میزان.
- مشفق، مژگان و جهانی، احمد (1394). بررسی عوامل مؤثر بر جرم نزاع دسته‌جمعی در شهر اردبیل. شماره هفتم. صص 71-94. بازیابی از:
http://ardabil.jrl.police.ir/article_16925.html
- مقصودی، مجتبی (1392). تحولات قومی در ایران، علل و زمینه‌ها. تهران: موسسه مطالعات ملی.
- میرفردی، اصغر و صادق‌نیا، آسیه (1391). گونه‌شناسی نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان بویراحمد. فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره دوم. صص 41-73. بازیابی از:
http://sopra.jrl.police.ir/article_25703.html
- نوری، شیما (1392). بررسی عوامل مؤثر بر نزاع خیابانی در استان اردبیل. دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان اردبیل.
- واندنبرگ، فردریک (1386). جامعه‌شناسی جورج زیمل. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- ویلن، تورستاین (1392). طبقه تن‌آسا. ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.